

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر فرهنگ سیاسی (مورد مطالعه: نخبگان سیاسی استان خوزستان)

علی حسن فردبابلی^۱، دکتر عبدالرضا هاشمی^۲ و دکتر احمدعلی حسابی^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۴/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳۱

چکیده:

فرهنگ سیاسی نخبگان نقش مهمی در توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی سیاسی دارد، به شکلی که می‌توان اذعان نمود؛ توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی شرط لازم برای توسعه سیاسی است و توسعه سیاسی جوامع همواره با فرهنگ سیاسی سنجیده می‌شود. از طرفی؛ نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های فرهنگ سیاسی نخبگان اگر دموکراتیک باشد باعث رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی خواهد شد، در این بین عواملی در تعیین این نوع فرهنگ سیاسی تأثیرگذار است که مهم‌ترین آن سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است. این مقاله با روش کمی و به صورت پیمایشی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و فرهنگ سیاسی پرداخته است، روش نمونه‌گیری به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده و ۲۱۴ نفر از نخبگان سیاسی استان خوزستان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند، برای سنجش فرهنگ سیاسی از پرسشنامه استاندارد تسلر و از پرسشنامه محقق ساخته سرمایه اجتماعی درون‌گروهی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تا حدودی بالا بوده (۱۸/۴۴) است ولی میانگین فرهنگ سیاسی رو به متوسط (۱۵۴/۱۹) بود. نتایج همچنین نشان داد که بین ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت درون‌گروهی) با فرهنگ سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ و بیش از ۱۹ درصد از واریانس متغیر فرهنگ سیاسی توسط دو متغیر اعتماد درون‌گروهی و مشارکت درون‌گروهی تبیین شدند. به‌طور کلی می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌تواند باعث ایجاد تغییراتی در فرهنگ سیاسی جامعه شود.

مفاهیم کلیدی: فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، اعتماد، مشارکت، انسجام

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
alibaboli24@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول)
abdorezhashemi@yahoo.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
ahmadali_hesabi@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

در حالی که از شروع مطالعه فرهنگ سیاسی در جوامع غربی و خاستگاه جامعه‌شناسان مدرن کمی بیش از نیم قرن نمی‌گذرد؛ با این حال به نظر می‌رسد گرایش به مطالعه این مقوله در ایران و اعتقاد به نقش‌آفرینی آن در تحولات سیاسی هنوز به‌طور جدی آغاز نشده است. در حالی که توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی شرط لازم توسعه سیاسی است و توسعه‌ی سیاسی جوامع همواره با فرهنگ سیاسی سنجیده می‌شود و تعبیر مختلفی توسط نظریه‌پردازان درباره مقوله فرهنگ سیاسی مطرح شد.

گابریل آلموند^۱ از اولین نظریه‌پردازان این حوزه، فرهنگ سیاسی را الگوی نگرش‌ها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام تعریف می‌کند (شریف، ۱۳۸۱: ۲۷). لوسین پای^۲ نیز معتقد است که فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از بازخوردها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی سامان می‌دهد و اصول و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند (پای، ۱۳۷۰: ۲۲). فرهنگ سیاسی خود می‌تواند به دو فرهنگ سیاسی توده و نخبگان تقسیم شود. فرهنگ سیاسی نخبگان با ایستارها، احساسات و الگوهای رفتاری کسانی سر و کار دارد که در درون نظام سیاسی از طریق گردش کار ویژه استخدام سیاسی، به نقش‌های فعالی دست یافته‌اند و بر برون‌دادهای نظام تأثیری مستقیم دارند (لوسین پای و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۶۱).

این نوع فرهنگ با توجه به بستر و فضای اجتماعی و فرهنگی جوامع متفاوت می‌باشد در جامعه ایران نیز دو نوع دیدگاه متفاوت درباره فرهنگ سیاسی نخبگان وجود دارد به طوری که برخی از پژوهش‌ها مانند امامی (۱۳۷۹) و وردی‌زاده (۱۳۸۴)، اعتقاد دارند که فرهنگ سیاسی نامناسب نخبگان یکی از عوامل عدم دسترسی به توسعه سیاسی است. برخی دیگر از پژوهش‌ها مانند سراوانی (۱۳۸۳)، و ابراهیم آبادی (۱۳۸۴) نیز به تحول فرهنگ سیاسی نخبگان اشاره کردند و قائل به تحول فرهنگ سیاسی این گروه از کنش‌گران سیاسی جامعه هستند. لذا هر دو گروه مقوله فرهنگ سیاسی را از پیش شرط‌های رسیدن به توسعه و رفاه جامعه قلمداد می‌کنند. از طرف دیگر باورها و اعتقادات و اموری از این دست که به‌عنوان عوامل زیربنایی و متشکله فرهنگ سیاسی معرفی می‌شوند؛ تحت تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی اشکال و وجوه گوناگونی به خود می‌گیرند.

¹ Gabriel Almond

² Lucien Pie

به نظر می‌رسد یکی از عواملی که می‌تواند در نهادینه شدن فرهنگ سیاسی نخبگان در جامعه نقش بسزایی داشته باشد سرمایه اجتماعی می‌باشد. لینچ و کاپالان^۱ سرمایه اجتماعی را نوعی انباشت سرمایه و شبکه‌هایی معرفی کرده‌اند که همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی و در نتیجه نوعی عزت نفس را در افراد به وجود می‌آورد (لینچ و کاپالان، ۱۹۹۷: ۳۰۷). در تئوری سیاسی - اجتماعی، مقوله سرمایه اجتماعی که به تئوری اجتماع گرایان یا راه سوم اشتها پیدا کرده است، مرکز توجهات را از تمرکز بر فرد یا دولت به حوزه مدنی در میان این دو معطوف می‌نماید. در این نظریه، نقطه شروع نه فرد و شهروند ذیحق آن‌گونه که لیبرال‌ها بر آن تأکید می‌کنند و نه دولت برابری خواه بدان‌سان که سوسیالیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها می‌اندیشند، بلکه حوزه مدنی یا اجتماع است (آرنیل، ۲۰۰۶). در حقیقت به باور بسیاری از محققان، سرمایه اجتماعی نسخه جامعه‌شناختی تز جامعه مدنی به شمار می‌آید و بر خلاف ایدئولوژی‌های رقیب و نسخه فلسفی و سیاسی‌اش پدیده‌ای قابل سنجش است که نخستین بار پاتنام به سنجش سرمایه اجتماعی به مثابه مفهومی اثرگذار در حوزه سیاسی همت گمارد (همان، ۲۰۰۶).

در مطالعات جدید، سرمایه اجتماعی به سه بعد درون‌گروهی، برون‌گروهی و ارتباطی تقسیم شده است که در این تحقیق بعد درون‌گروهی آن مد نظر می‌باشد. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شامل اعتماد با شعاع محدود، مشارکت با دوستان و آشنایان و شبکه‌های ارتباطی درون‌گروهی با دیگران است. طبق نظر پاتنام این نوع سرمایه یک نوع سرمایه منفی در جامعه قلمداد می‌شود که با افزایش این نوع سرمایه شاهد مسائل و مشکلات فراوانی خواهد بود چرا که شهروندان فقط به خودی‌ها اعتماد دارند و نسبت به دیگران بدبین هستند و لذا افراد سعی می‌کنند در شبکه ارتباطیشان از دیگران (غیر خودی‌ها) دوری کنند و حتی زمانی که می‌خواهند مشارکتی داشته باشند، ترجیح می‌دهند این مشارکت با خودی‌ها باشد تا دیگران (هارپر، ۲۰۱۱). در جامعه ایران نیز با توجه به بافت سنتی خود معمولاً سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالا بوده است زیرا در جوامعی که بافت سنتی و بستر فرهنگی آنها قومی و قبیله‌ای است اعتماد افراد نسبت به گروه و قوم خود بیشتر می‌باشد و معمولاً تمایزی بین خود و دیگری قائل می‌شوند و همین امر زمینه افزایش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را فراهم می‌کند (معین‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۲). بسیاری از محققان در تحقیقات خود فرسایش سرمایه اجتماعی را یکی از بحران‌ها

^۱ Lynch and Kaplan

و آسیب‌های جامعه ایران قلمداد کردند و بر این نظرند که ترمیم سرمایه اجتماعی به خصوص ارتباط متقابل بین دولت و ملت ضرورت اساسی دارد (افشانی و جعفری، ۱۳۹۵).

با توجه به مطالب ذکر شده باید بیان داشت که کشور ایران در صد سال اخیر تلاش‌های فراوانی برای استقرار نهادهای دموکراتیک انجام داده‌اند، ولی در بقای این نهادها موفقیت‌آنجنانی نداشته‌اند و تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در این باره صورت گرفته که عمدتاً بر تأثیر ساختارهای سیاسی و اقتصادی این پدیده متمرکز شده‌اند. ولی به نظر می‌رسد عوامل دیگری نیز در این جریان تأثیرگذار است که می‌توان به زمینه فرهنگی و فرهنگ سیاسی جامعه و ارتباط سرمایه اجتماعی اشاره کرد که امروز بیش از پیش مورد توجه کنش‌گران سیاسی و نظریه‌پردازان شده است. لذا این عوامل ضرورت توجه به مقوله سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و نقش آن در فرهنگ سیاسی را دو چندان کرده است.

از سوی دیگر استان خوزستان به‌عنوان یکی از ثروتمندترین استان‌های ایران (به علت منابع زیرزمینی) با مشکلات زیاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مواجهه بوده است. همچنین دکتر یدالله مهرعلی‌زاده عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز با بیان این‌که میزان سرمایه‌های اجتماعی در خوزستان کمتر از میانگین کشوری است، گفت: استان خوزستان در وضعیت سرمایه‌های اجتماعی در رتبه‌های میانی و بین رتبه‌های ۱۲ تا ۱۳ در کشور قرار دارد (ایسنا، ۱۳۹۵). همچنین بر اساس نتایج تحقیق باستانی و رزمی (۱۳۹۳)، استان خوزستان از لحاظ رتبه‌بندی استان‌ها در زمینه سرمایه اجتماعی جایگاه ۱۶ را کسب کرد. البته از طرف دیگر نیز می‌توان بیان کرد که میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در استان خوزستان به علت ساختاری طایفه‌ای و قومی بشدت بالا بوده است به صورتی که بسیاری از افراد در روابط اجتماعی و سیاسی خود بیشتر بر افراد درون‌گروهی تکیه می‌کنند و مرزی بین خود و دیگری قائل می‌شوند که همین امر علاوه بر افزایش همبستگی‌های اجتماعی و یگانگی بین مردم، باعث شده که در سطوح بالای قدرت سیاسی استان این نوع فرهنگ درون‌گروهی، بر ساختار قدرت و فرهنگ سیاسی نخبگان نیز تأثیرگذار باشد. در واقع می‌توان بدین صورت بیان کرد که سرمایه اجتماعی بالای درون‌گروهی در استان‌های قومیتی بخصوص در خوزستان باعث شده که فرهنگ سیاسی نخبگان بیشتر حامی پرور شود و نخبگان سیاسی در سطوح متفاوت استان سعی می‌کنند افراد وفادار و نزدیک به خود را برای سمت‌های اجرایی و عمرانی مدنظر بگیرند لذا به‌طور کلی با توجه به مطالب ذکر شده در این مقاله به دنبال بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و فرهنگ سیاسی نخبگان خوزستان می‌باشیم.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

ادریسی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش به فرهنگ دموکراتیک در بین شهروندان شهرستان سمنان پرداختند، پژوهش حاضر از نوع توصیفی - علی و از لحاظ روش یک تحقیق پیمایشی بوده است. نتایج تحقیق آنها نشان داد که هر چه سرمایه اجتماعی، سواد رسانه‌ای و عام‌گرایی افزایش یابد، نگرش نسبت به فرهنگ دموکراتیک نیز بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد و بالعکس.

حاجی‌زاده (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش به دموکراسی که به صورت پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه در بین ۳۸۴ نفر از دانشجویان به این نتایج دست یافت که بین سرمایه اجتماعی و نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه تهران رابطه وجود دارد. بین نوع اعتماد، مشارکت در نهادهای مدنی، شبکه هنجارها و اعتماد متقابل با نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد.

رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیق خود با عنوان بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی به روش پیمایشی بر روی ۳۶۵ نفر از شهروندان به این نتایج دست یافتند که همبستگی معناداری میان سرمایه اجتماعی شناختی و فرهنگ سیاسی مشارکتی پاسخگویان وجود دارد؛ به عبارت دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی شناختی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی اثرگذار است و موجب افزایش میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌شود.

احمدی و نمکی (۱۳۹۲)، در تحقیق خود با عنوان سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی که به صورت تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران به این نتایج دست یافتند که بعضی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد و مشارکت از تأثیر مثبت بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک برخوردار بوده و بالعکس، شاخص اطمینان به نهادها دارای تأثیر منفی در برزو این ارزش‌ها بوده و شاخص درستکاری مدنی نیز بر خلق فرهنگ سیاسی دموکراتیک از تأثیر معناداری برخوردار نبود.

محمدی‌فر و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان پرداختند. روش تحقیق پیمایش، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و جامعه آماری آن ۱۲۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان بود. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بین متغیر میزان انسجام اجتماعی با فرهنگ سیاسی

محدود، مشارکتی و تبعی و همچنین بین متغیر امنیت اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

کوهن و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، در تحقیق خود به این نتایج دست یافتند که آینده دموکراسی در آمریکا بر حمایت جمعی از نهادهای آن و ماهیت همه‌جانبه شهروندی دموکراتیک تأکید دارد. هنگامی که شهروندان به‌طور کلی سیستم را مشروع و قابل تحمل می‌بینند، با وجود سرسخت‌ترین دشمنان آن، دموکراسی می‌تواند ثبات قابل توجهی به دست آورد. اما وقتی که این پایه‌های فرهنگی فرسایش یابد، سرنورشت دموکراسی خیلی مشخص نیست.

ب) تحقیقات خارجی

کیربیش^۲ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی غیر دموکراتیک در اروپای غربی، اروپای شرقی و کشورهای یوگسلاوی سابق» بر اساس نظریه اینگلهارت استدلال می‌کند که مردم در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی - اجتماعی، توسعه یافته‌ترند از نظر سیاسی نیز فعال‌ترند و افرادی که گرایش‌های غیر دموکراتیک دارند از نظر سیاسی نیز کمتر فعال‌اند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد شهروندان و زنان در کشورهای پسا کمونیست، که فرهنگ سیاسی محدودتری دارند، از لحاظ سیاسی کمتر فعال‌اند و در مقایسه با هم‌تاهای غربی خود در فرایندهای سیاسی کمتر مشارکت می‌کنند. بنویدیس^۳ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان تأثیر سیاسی نخبگان بر فرهنگ سیاسی و نهادهای سیاسی بر تحکیم دموکراسی در آمریکای لاتین: یک مطالعه تطبیقی در کلمبیا و ونزوئلا پرداخته است. در این پژوهش نویسنده به یک مقایسه‌ی نظری پیرامون میزان تغییرات در فرهنگ سیاسی نخبگان که ممکن است بیشتر از نهادهای سیاسی عمل کند به‌عنوان یک رویکرد برای تبیین تحکیم دموکراسی در آمریکای لاتین: دو کشور کلمبیا و ونزوئلا پرداخته است. زیرا این دو کشور از لحاظ دموکراسی برعکس عمل کرده‌اند. در این چارچوب، نقش نخبگان سیاسی بسیار مهم است زیرا آنها فرصت و توانایی بیشتری برای شکل دادن به ساختار و عملکرد نهادهای کلیدی سیاسی دارند و بر نوع حکومت تأثیر می‌گذارند، البته برخلاف آنچه که وجود دارد. بنابراین، این مطالعه نشان می‌دهد که هنگام

^۱ Chohen, Mollie, J., & et. al.

^۲ Kirbish

^۳ Benavides

تفکر درباره‌ی الگوهای نوین فرهنگ سیاسی علاقمند به مطالعه‌ی دموکراتیک در کشورهای توسعه‌یافته باید توجه خاص به نگرش نخبگان داشته باشیم. گیلن، کورومینا و ساریس^۱ (۲۰۱۱)، در تحقیق خود با عنوان «سنجش مشارکت اجتماعی و جایگاه سرمایه اجتماعی در آن به این نتایج دست یافتند که اگر چه مفهوم مشارکت سیاسی اهمیت زیادی دارد. هنوز تعریف و سنجش آن دارای ابهامات بسیاری است. یافته‌های این نویسندگان نشان می‌دهد که میان مشارکت افقی و عمودی تمایز وجود دارد. همچنین بر اساس نتایج این یافته‌ها، رابطه مشارکت عمودی با عناصر دیگر سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد اجتماعی و اعتماد سیاسی، ناچیز و ضعیف است. بررسی و تحقیقات زیادی درباره فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی صورت پذیرفت ولی اکثر این تحقیقات سرمایه اجتماعی را به‌عنوان پدیده‌ای مثبت قلمداد کردند و پیشینه تحقیقی درباره اینکه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌تواند منفی باشد صورت نگرفت، در واقع این مقاله در صدد است که کاستی‌های مقالات قبلی را جبران کند و سعی دارد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را به‌عنوان مقوله منفی در نظر بگیرد که فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم بر خوزستان را تحت شعاع قرار داد و فرهنگ سیاسی را حامی پرور بازتولید کرد.

مروری بر نظریات پژوهش

فرهنگ سیاسی

اصطلاح فرهنگ سیاسی بعد از جنگ دوم جهانی مطرح شده است البته واژه فرهنگ سیاسی را «گابریل آلموند»^۲ برای اولین بار در علم سیاست به کار گرفت (پای، ۱۳۷۳: ۱۷). پای معتقد است که فرهنگ سیاسی مجموعه نگرش‌ها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی سامان می‌دهد و اصول و قواعد تعیین کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند (پای، ۱۹۶۵: ۷). وربا^۳ می‌گوید فرهنگ سیاسی ماهیتاً شامل نظامی از باورهای تجربی، نشانه‌های بیانی و عاطفی و ارزش‌ها است که شرایطی را که عمل سیاسی در آن رخ می‌دهد، مشخص می‌کند (وربا، ۱۹۶۵: ۵۱۳).

^۱ Gillen, Coromina and Saris

^۲ Gabriel Almond

^۳ Verba

به نظر آلموند^۱، هر نظام سیاسی متضمن یک الگوی خاص از جهت‌گیری به سوی کنش‌های سیاسی است، یا به عبارت دیگر دارای یک قلمرو ذهنی سامان یافته درباره سیاست است که به جامعه، ترتیب نهادها و اتکای اجتماعی بر افعال فردی معنا می‌دهد (آلموند، ۱۹۵۶: ۳۴). به باور وی در ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی یک جامعه مفروض، چهار ضابطه را باید در نظر گرفت: ۱- فرد چه دانشی درباره ملت، نظام سیاسی، تاریخ، قانون اساسی و مانند اینها دارد؟ ۲- از ساخت‌ها و نقش‌های نخبگان سیاسی مختلف و خط و مشی‌های سیاسی پیشنهادی، چه می‌داند و احساسات او در این مورد چیست؟ ۳- فرد درباره اجرای خط مشی در سطح پایین، ساخت‌ها، افراد و تصمیمات درگیر در این فرآیند، علاوه بر دانش و احساس چه نظر و قضاوتی دارد؟ ۴- چگونه خود را به عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند و درباره قابلیت‌هایش چگونه فکر می‌کند؟ چه هنجارهایی از مشارکت را می‌شناسد (پالمر و همکاران، ۱۳۶۷: ۱۰۱). چیلکوت^۲ به نقل از آلموند و وربا، فرض‌های پذیرفته شده در فرهنگ سیاسی را در چهار مقوله خلاصه می‌کند: ۱- فضیلت و مسئولیت مدنی؛ ۲- دموکراسی مشارکتی و کثرت‌گرا؛ ۳- نظم مبتنی بر دیوان‌سالاری عقلانی و ۴- ثبات از طریق نوسازی (چیلکوت، ۱۳۷۸).

به زبان ساده‌تر می‌توان گفت، از نظر آلموند و وربا، فرهنگ سیاسی دارای سه بعد یا مؤلفه اساسی است: ۱- بعد شناختی؛ ۲- بعد احساسی و ۳- بعد ارزش‌گذارانه. بعد اولی، دانسته‌ها و باورهای مردم و نخبگان را و بعد دوم، جهت‌گیری‌های عاطفی و احساسی آنها و بعد سوم نحوه داوری و قضاوت آنها نسبت به نظام سیاسی و مقررات، نقش‌ها و ورودی و خروجی‌ها را نشان می‌دهد (قوام، ۱۳۷۳). به این ترتیب فرهنگ سیاسی، جهت‌گیری ذهنی ملت‌ها، گروه‌ها اجتماعی یا افراد نسبت به سیاست را تا حدی الگوی‌های رفتار سیاسی را شکل می‌دهد. نظام باورهای مذهبی، نمادهای بیانی، ارزش‌های اجتماعی، ادراک ذهنی از تاریخ و سیاسی، ارزش‌های بنیادی و معرفت که محصول تجربه خاص تاریخی ملت‌ها و گروه‌هاست و چارچوب بازخوردی و رفتاری که نظام سیاسی در آن جای گرفته است را می‌توان در مفهوم نسبتاً گسترده فرهنگ سیاسی جای داد (بشیریه، ۱۳۷۰: ۹).

به‌طور کلی می‌توان دو نوع آرمانی از فرهنگ سیاسی ارائه داد: ۱- فرهنگ سیاسی تابعیتی و ۲- فرهنگ سیاسی مشارکتی. برخی ویژگی‌های فرهنگ سیاسی تابعیتی عبارتند از: ۱- پشتوانه رابطه عمودی قدرت است؛ ۲- مردم انتظار دارند که خود حکومت تمام امور

¹ Almond

² Chilcote

را انجام دهد و در مقابل، توقع نخبگان سیاسی نیز آن است که تمام مردم از آنها اطاعت کنند؛ ۳- مردم نسبت به وعده‌ها و مداخله سیاسی بی‌اعتمادند و سوءظن دارند و نخبگان حاکم نیز مشارکت و رقابت در سیاست را جدی نمی‌گیرند؛ ۴- چون تقاضاهای سیاسی و اجتماعی اجازه و امکان تشکل و تجمع نمی‌یابند، به صورت ایدئولوژی پنهان در می‌آیند؛ ۵- نخبگان سیاسی دارای جایگاه برجسته و حرمت هستند و از قدرت زیادی برخوردار می‌باشند و تنها عامل محدود کننده آنها مذهب و سنت است؛ ۶- رفتارهای سیاسی ترکیبی از فرصت‌طلبی، انفعال و کناره‌گیری، اعتراض سرپوشیده و ترس است (بشریه، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

در مقابل فرهنگ سیاسی مشارکتی، اعضای نظام سیاسی به کلیه وجوه فرهنگ سیاسی توجه دارند و برای خویش در فرآیند تصمیم‌گیری نقش فعال قائل هستند. در این فرهنگ از آنجا که نخبگان و حتی توده‌ها مردمی نوعی کنترل بر نقش‌ها، رویه‌ها و سازوکارهای نظام سیاسی دارند، اعتماد، دامنه‌های وسیعی را از ذهنیت و روان فرد و جامعه را زیر پوشش می‌گیرد (خانیک، ۱۳۸۱: ۱۶۶). همچنین این امکان وجود دارد که فرهنگ سیاسی را به فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا و فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا تقسیم کرد. در اولی، شهروندان و نخبگان معمولاً در مورد شیوه‌های مناسب تصمیم‌گیری و اینکه مسائل اصلی جامعه چیست و چگونه باید آنها را حل کرد، هم نظر هستند؛ در حالی که در فرهنگ نوع دوم، نظراتی که در مورد مشروعیت نظام سیاسی و راه‌های مشکلات اصلی آن وجود دارند، به شدت دچار چند دستگی هستند (آلموند، ۱۳۷۶: ۷۷).

سرمایه اجتماعی

از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی به عنوان مجموع منابع بالقوه و بالفعلی است که اعضای یک گروه را به هم پیوند داده و هر یک از اعضا را برای مراجعه به سرمایه اجتماعی مشترک آماده می‌کند جایگاهی که برای سرمایه اجتماعی در نظرگاه بوردیو وجود دارد بر گستره پیوندها و یا شبکه‌های اجتماعی استوار است (بوردیو، ۱۹۸۶). وی معتقد است که ارزش‌های ارتباطی یک فرد یا حجم سرمایه اجتماعی یک عامل به تعدد ارتباطات فعال شده و حجم سرمایه فرهنگی، اقتصادی بستگی دارد و برای نمایش تعامل بین ارتباطات و سرمایه مالی و فرهنگی، اعضای حرفه‌های مانند پزشکان و وکلا را مثال می‌زند که با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی (ارتباطات، مقبولیت و اقدام) اعتماد و اطمینان مشتریان را در یک سطح بالای جامعه بدست می‌آورند.

فوکویاما معتقد است که قدرت و کارایی سرمایه اجتماعی در یک جامعه به میزان پایداری اعضای جامعه به هنجارها و ارزش‌های مشترک و توانایی آنها برای چشم‌پوشی از منافع شخصی در راستای خیر و سعادت همگانی بستگی دارد. از نظر وی سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنها مجاز است، در آن سهیم هستند. اعتماد، ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأکید فوکویاما به‌عنوان عوامل مهم تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی خواهند بود (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳).

به نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی شامل دو نوع سرمایه می‌شود: یکی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و دیگری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، به راه‌هایی اشاره دارد که افراد با دیگران ارتباط نزدیک دارند و روابط میان آنها از نوع رابطه بسته است چرا که دیگران نمی‌توانند در رابطه میان دو یا چند نفر که با یکدیگر رابطه نزدیک دارند، سهیم شوند، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به روابط میان گروه‌های متجانس اشاره دارد، مانند اعضای خانواده، دوستان نزدیک و به‌طور کلی به کسانی که شباهت فکری بیشتر با هم دارند و پاتنام این نوع سرمایه اجتماعی را منحصر بفرد قلمداد کرد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۱۵). این سرمایه زمانی به وجود می‌آید که افراد همانند خانواده و یا دوستان نزدیک حمایت‌های احساسی و هیجانی برای یکدیگر فراهم کنند. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، دارای تنوع در زمینه‌های آنهاست، اما دارای ارتباطات شخصی قوی است. این سرمایه، با برانگیختن احساسات افراد توانایی خاص را برای بسیج افراد دارد (استون و جودی^۱، ۲۰۱۱).

پاتنام معتقد است سرمایه اجتماعی برون‌گروهی می‌تواند زمینه مناسبی را برای دستیابی به دیگر انواع سرمایه انسانی و مالی فراهم آورد. این سرمایه با تعاملات اجتماعی خارج از فضای بسته دوستان و آشنایان نیز با افزایش اعتماد و کاهش فرصت‌طلبی می‌تواند زمینه را برای افزایش بازدهی افراد از تحصیلات و سرمایه اجتماعی که دارند فراهم کند، البته خود می‌تواند عاملی برای رشد و شکوفایی سرمایه انسانی یک جامعه باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶).

شریف اثبات کرده است که یک صورت‌بندی ساده از یک گروه می‌تواند منجر به احساس برغمانی و احساس تنفر افراد گروه نسبت به افراد خارج از گروه باشد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی دارای معایب فراوانی از جمله بزرگ‌ترین معایب آن ایجاد زمینه

¹ Stone and Jody

مستعد رشد ایدئولوژی‌های ارتجاعی و استبدادی است؛ این موضوع یکی از انتقادات پاتنام به سرمایه اجتماعی است چرا که سرمایه اجتماعی، همیشه برای جامعه مفید نیست و نمی‌توان آن را سراسر مثبت قلمداد کرد، جنبه منفی سرمایه اجتماعی، به صورت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی خود را نشان می‌دهد (معین‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۲).

پورتینا^۱ سرمایه اجتماعی را به دو بعد شناختی و ساختاری تقسیم می‌کند. سرمایه اجتماعی ساختاری شامل مؤلفه‌های رفتاری و شدت و میزان ارتباط بین مردم و امکان نهادینه شدن روابط است. سرمایه اجتماعی ساختاری شامل تشکل و عملکرد سازمان‌های رسمی و غیر رسمی محلی نیز می‌شود که به‌عنوان ابزاری در جهت توسعه اجتماع خدمت می‌کنند. سرمایه اجتماعی ساختاری، از طریق سازمان‌های افقی و شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که فرآیند تصمیم‌گیری شفاف و جمعی، رهبران پاسخگو و تجارب عملی‌ای از اقدام جمعی و مسئولیت متقابل دارند (پورتینگا، ۲۰۰۶: ۵۵). درباره عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، هارپر^۲ معتقد است که همگنی در گروه‌ها که با کشیدن خط قرمز بین خودی‌ها و دیگران مشخص می‌شود، در ایجاد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تأثیرگذار است و از طرف دیگر ووی سیو ادعا می‌کند که گذشته توتالیتیر در جوامع شرقی و کشورهای با گذشته کمونیستی، منابع موجود، محدودیت دسترسی به منابع و فرصت‌های به وجود آمده بر ایجاد این نوع سرمایه اجتماعی مؤثر بوده است (ووی سیو، ۲۰۱۱).

جمع‌بندی نظریات

فرهنگ سیاسی، جهت‌گیری ذهنی ملت‌ها، گروه‌های اجتماعی یا افراد نسبت به سیاست است و تا حدی الگوی رفتار سیاسی را شکل می‌دهد (بشیریه، ۱۳۷۰). طبق نظر اندیشمندان در تاریخ ایران و فرهنگ سیاسی حاکم بر تخبگان چه در عصر قاجار و چه پس از آن، عمدتاً فرهنگی سیاسی از نوع تابعیتی و منازعه‌گرا بوده است. در واقع بسیاری از مشکلات و موانع توسعه سیاسی ناشی از شخصیت و فرهنگ ضد توسعه سرآمدان سیاسی بوده است نه تخصص و علم و تجربه آنها (شهرام‌نیا و اسکندری، ۱۳۸۹: ۹۲). به رغم تحولات وسیع در ایران و تغییر متعدد نظام‌های سیاسی در چند قرن اخیر، فرهنگ

^۱ Poortinga

^۲ Harper

^۳ Wow Save

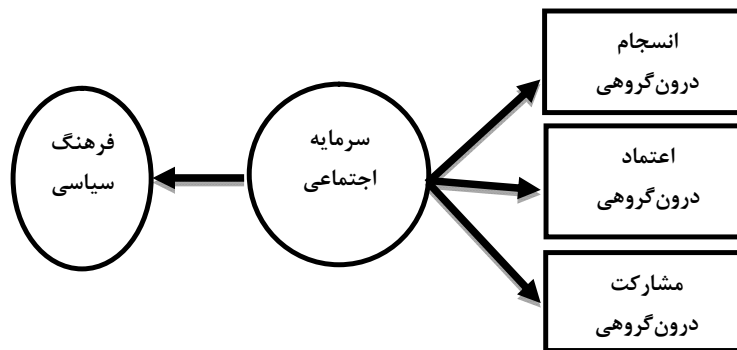
سیاسی ایرانیان - و از جمله نخبگان سیاسی - دگرگونی چندانی پیدا نکرده است. اغلب سیاست، مشغله‌ای خصمانه تلقی شده و در آن بهترین راه حل برای تأمین منافع هر طرف، ادامه منازعه و عدم سازش به شمار رفته است. در عین حال در فرهنگ سیاسی نخبگان ایرانی، هر گونه منازعه که مدعی نفی اصول حاکم بر سیاست شود، ناپسند به شمار رفته است (بشیریه، ۱۳۸۰). سوء استفاده از اموال عمومی، فقدان روحیه کار جمعی و فروپاشی احزاب سیاسی، روحیه اقتدارگرایی و انتقادناپذیری، نداشتن سعه صدر و تحمل، خشم و خشونت رفتارهایی هستند که کم و بیش از سوی نخبگان سیاسی ایران معاصر بروز یافته است (بازرگان، ۱۳۷۲: ۵۸). ماروین زونیس در پژوهش خویش درباره روانشناسی نخبگان سیاسی ایران در دوران پهلوی، به این نتیجه رسیده است که چهار اصل نگرشی در میان نخبگان جاری است که مانع توسعه کشور می‌شود: ۱- بدبینی سیاسی، ۲- بی‌اعتمادی شخصی، ۳- عدم امنیت آشکار، ۴- بهره‌کشی میان‌فردی (زونیس، ۱۳۸۷: ۲۰). تحقیق مشابه گاستیل^۱ نیز نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی ایران، زمینه مساعدی برای مشارکت و رقابت سیاسی ایجاد نمی‌کند. به‌علاوه وی اعتقاد داشت که ایرانیان معتقدند، آدمیان طبعاً شرور و قدرت طلبند، همه چیز در حال تغییر و غیر قابل اعتماد است، آدم باید نسبت به اطرافیانش بدبین و بی‌اعتماد باشد و حکومت دشمن مردم است (گاستیل، ۱۹۵۸: ۳۲۵). به نظر می‌رسد این نوع فرهنگ سیاسی در جامعه ایران ریشه در بافت سنتی و قومی جامعه ایران دارد که به صورت نهادینه شده در ته نشست ذهنی نخبگان سیاسی وجود دارد. نخبگان سیاسی در ایران تأکید دارند که باید از طریق منازعه سیاسی، منازعه سیاسی را از بین برد. به عبارت دیگر، در میان آنها، سیاست بیشتر به معنای چگونگی از میدان به در بردن رقبا و مخالفان دیده شده است تا به معنی چگونگی جلب همکاری و ایجاد آشتی و سازش برای اداره امور جامعه (بشیریه، ۱۳۸۰). مجموعه این رفتارهای نخبگان سیاسی ریشه در فرهنگ قبیله‌ای و عشیره‌ای در ایران را دارد که مهم‌ترین این ویژگی‌ها خویشاوندگرایی، روحیه جنگاوری و ستیزه‌جویی و بقا و بسط عشیره از طریق تهاجم و غارت بوده است (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۸).

سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای کلیدی در تغییرات اجتماعی و سیاسی جامعه می‌تواند فرهنگ سیاسی را تحت شعاع قرار دهد. از دیدگاه پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی نهفته در هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی پیش شرط توسعه اقتصادی، گسترش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و در نهایت حاکمیت کارآمد و دموکراتیک است. در

^۱ Gastil

واقع می‌توان بدین صورت بیان کرد که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با تأکید بر حفظ ارزش‌های درونی گروه خود و اعتقاد به گروه‌های اولیه و دوستی باعث می‌شود که فرهنگ سیاسی نخبگان نیز درون‌گروهی و محدود به جریان خاص خود شود. در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته سرمایه اجتماعی درون‌گروهی دیگر چندان توجه نمی‌شود زیرا که این نوع سرمایه منجر به خط‌کشی اجتماعی بین خود و دیگری می‌شود و افراد ارتباطات خود را صرفاً محدود به افراد نزدیک خواهند کرد ولی در سرمایه اجتماعی برون‌گروهی اعتماد متقابل بین افراد و سایر اعضای جامعه بیشتر می‌شود و زمینه برای رشد فرهنگ سیاسی مناسب‌تر می‌کند، ولی جوامعی که بر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تأکید دارند فرهنگ سیاسی نخبگان نیز حامی پرور و عشیره‌ای می‌شود بدین صورت که نخبگان سیاسی در تصمیم‌گیری‌های خود عوامل گروهی، قومی و طایفه‌ای (خودی) را ترجیح می‌دهد در نتیجه این نوع سرمایه باعث ایجاد یک فرهنگ سیاسی رابطه محور خواهد شد که صرفاً گروه‌های خودی را از منافع قدرت بهره‌مند می‌سازد.

مدل تحقیق



فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش

- به نظر می‌رسد افزایش سرمایه اجتماعی باعث ضعف و ناکارآمدی فرهنگ سیاسی نخبگان در خوزستان می‌شود.

فرضیات فرعی پژوهش

- به نظر می‌رسد افزایش بعد انسجام درون‌گروهی متغیر سرمایه اجتماعی با باعث ضعف و ناکارآمدی فرهنگ سیاسی نخبگان خوزستان می‌شود.
- به نظر می‌رسد افزایش بعد اعتماد درون‌گروهی متغیر سرمایه اجتماعی باعث ضعف و ناکارآمدی فرهنگ سیاسی نخبگان خوزستان می‌شود.
- به نظر می‌رسد افزایش بعد مشارکت درون‌گروهی متغیر سرمایه اجتماعی باعث ضعف فرهنگ سیاسی نخبگان خوزستان می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کمی و شیوه پیمایشی اجرا شده است. جامعه آماری شامل کلیه نخبگان سیاسی حاکم (استاندار، معاونین حوزه استاندار، نمایندگان مجلس، مدیران کل و معاونینشان، رؤسای ادارات، فرمانداران و شهرداران و معاونینشان و بخشداران شهرستان‌های استان خوزستان) در استان خوزستان است ($N=448$). حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۲۱۴ نفر و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز در این مطالعه به کمک پرسشنامه گردآوری شد. روایی^۱ ابزار سنجش از نوع صوری^۲ مورد ارزیابی قرار گرفت؛ در روایی صوری گویه‌ها و طیف‌های به کار گرفته شده در پرسشنامه در اختیار تعدادی از جامعه‌شناسان و کارشناسان قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا نظر خود را اعلام کنند. جهت اطمینان از پایایی^۳ طیف‌های موجود در پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرها و تعداد گویه‌های هر متغیر

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
فرهنگ سیاسی	۷۰	۰/۷۸
سرمایه اجتماعی	۴۵	۰/۷۴
انسجام درون‌گروهی	۱۵	۰/۷۱
اعتماد درون‌گروهی	۱۵	۰/۷۲
مشارکت درون‌گروهی	۱۵	۰/۷۱

^۱ validity

^۲ face validity

^۳ reliability

آلفای کرونباخ پایایی تحقیق را نشان می‌دهد نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۰۷ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی درونی بالا بین گویه‌های تحقیق می‌باشد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

فرهنگ سیاسی: در برگزیده جهت‌گیری‌ها، ارزیابی‌ها و ایستارهای افراد نسبت به نظام سیاسی و بخش‌های مختلف آن و نیز جهت‌گیری نسبت به گرایش‌ها و طرز تلقی‌ها به نقش خود در سیاست است (الموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۳). برای عملیاتی کردن این متغیر از پرسشنامه استاندارد تسلا، استفاده شد. گویه‌ها در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) ۱ تا ۵ نمره‌گذاری شد.

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی: از پیوندهای اجتماعی نیرومندی که مبتنی بر روابط خانوادگی، خویشاوندی، جنسیت، قومیت و دین است ناشی می‌شود این نوع سرمایه اجتماعی اثر منفی بر معاشرت‌پذیری اجتماعی دارد (توسلی، ۱۳۸۴: ۹۷). این متغیر در سه بعد شامل انسجام، اعتماد و مشارکت درون‌گروهی تقسیم و در قالب طیف لیکرت نمره‌گذاری شد. همچنین برای عملیاتی کردن این متغیر از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

نتایج تحقیق نشان داد از مجموع ۲۱۴ نفر شرکت‌کننده تحقیق، ۱۹۳ نفر (۹۰/۲ درصد) از اعضای نمونه مرد بوده‌اند و تنها ۲۱ نفر (۹/۸ درصد) از اعضای نمونه زن بوده‌اند. همچنین مجموع ۲۱۴ نفر شرکت‌کننده تحقیق، ۱۲۷ نفر (۵۹/۳ درصد) از اعضای نمونه دارای مدرک فوق لیسانس بودند. ۴۹ نفر (۲۲/۹ درصد) از اعضای نمونه مدرک لیسانس داشتند. افرادی که دارای مدرک دکتری بودند تنها ۳۸ نفر (۱۷/۸ درصد) از اعضای نمونه را تشکیل می‌دادند. نتایج تحقیق در زمینه سن پاسخگویان نشان داد که ۱۲۱ نفر (۵۶/۵ درصد) از اعضای نمونه بین ۴۱ تا ۵۰ سال سن داشتند. سپس ۴۹ نفر (۲۲/۹ درصد) از اعضای نمونه بین ۳۰ تا ۴۰ سال سن داشتند. در نهایت تنها ۴۴ نفر (۲۰/۶ درصد) از اعضای نمونه بالاتر از ۵۰ سال سن داشتند.

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در متغیر فرهنگ سیاسی، میانگین و انحراف معیار، به ترتیب ۱۵۴/۱۹ و ۱۵/۱۶، در مؤلفه انسجام درون‌گروهی به ترتیب ۴۴/۱۸ و ۸/۸۱، در مؤلفه‌ی اعتماد درون‌گروهی به ترتیب ۴۷/۶۰ و ۸/۳۰، در مؤلفه مشارکت درون‌گروهی به ترتیب ۴۶/۵۸ و ۷/۱۸، و نهایتاً، در متغیر شاخص کلی سرمایه اجتماعی که از ترکیب سه بعد بدست می‌آید میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۱۴۵/۳۵ و ۱۶/۸۴ بدست آمد.

جدول ۲: یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	چولگی
فرهنگ سیاسی	۱۵۴/۱۹	۱۵/۱۶	۷۰	۲۸۰	۰/۳۶
انسجام درون‌گروهی	۴۴/۱۸	۸/۸۱	۱۵	۷۵	۰/۳۴
اعتماد درون‌گروهی	۴۷/۶۰	۸/۳۰	۱۵	۷۵	۰/۳۹
مشارکت درون‌گروهی	۴۶/۵۸	۷/۱۸	۱۵	۷۵	۰/۳۱
شاخص سرمایه اجتماعی درون‌گروهی	۱۴۵/۳۵	۱۶/۸۴	۴۵	۲۲۵	۰/۲۸

آمار استنباطی پژوهش

جدول ماتریس همبستگی به بررسی رابطه بین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با فرهنگ سیاسی می‌پردازد، لازم به ذکر است وقتی سطح سنجش هر دو متغیر فاصله‌ای باشد، طبق نظریات آمار از آزمون پیرسون استفاده می‌شود.

جدول ۳: ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد متغیر مستقل با فرهنگ سیاسی

متغیر	انسجام درون‌گروهی	اعتماد درون‌گروهی	مشارکت درون‌گروهی	شاخص کل سرمایه اجتماعی
اعتماد درون‌گروهی	۰/۴۵۳			
مشارکت درون‌گروهی	۰/۴۵۷	۰/۴۱۲		
شاخص سرمایه اجتماعی درون‌گروهی	۰/۲۸۷	۰/۲۱۰	۰/۱۳۳	
فرهنگ سیاسی نخبگان	۰/۲۱۸	۰/۲۶۰	۰/۱۳۳	۰/۱۵۲

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین اعتماد درون‌گروهی با فرهنگ سیاسی نخبگان رابطه معنی‌داری وجود دارد، بدین صورت که با افزایش اعتماد درون‌گروهی میزان فرهنگ

سیاسی نخبگان نیز بیشتر می‌شود؛ لذا فرضیه اول تأیید می‌شود. نتایج جدول همچنین نشان می‌دهد بین بعد اعتماد درون‌گروهی با فرهنگ سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، چون سطح معنی‌داری این متغیر زیر $0/5$ می‌باشد لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود. بین بین بعد مشارکت درون‌گروهی با فرهنگ سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، چون سطح معنی‌داری این متغیر زیر $0/5$ می‌باشد لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود. تفسیر آن بدین‌گونه است که با افزایش مشارکت درون‌گروهی میزان فرهنگ سیاسی نخبگان نیز بیشتر می‌شود لذا فرضیه سوم نیز تأیید می‌شود. شاخص کل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی از ترکیب ۳ بعد به دست می‌آید. نتایج فرضیه چهارم مربوط به رابطه بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با فرهنگ سیاسی نخبگان نشان می‌دهد بین این دو متغیر نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد چون سطح معنی‌داری این فرضیه زیر $0/5$ می‌باشد، لذا فرضیه فوق نیز تأیید می‌شود.

رگرسیون

برای انجام رگرسیون پیش‌فرض‌هایی مانند خطی بودن رابطه متغیر مستقل و وابسته، نرمال بودن توزیع مانده‌ها، استقلال مقادیر مانده‌ها و نرمال بودن توزیع متغیر وابسته لازم است. به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل از روش رگرسیون گام به گام استفاده شده است؛ در این روش متغیرهای مستقل به ترتیب اهمیت وارد مدل می‌شوند با این تفاوت که هر بار بعد از ورود یک متغیر، متغیرهای که تاکنون وارد شده‌اند مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر سطح معنی‌داریشان کاسته شد از مدل خارج، و گرنه باقی می‌مانند (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

بررسی استقلال خطاها با استفاده از آزمون دوربین - واتسون

در تحلیل رگرسیون بخصوص زمانی که متغیرها در طول یک فاصله زمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند ممکن است تغییر داده‌ها در طول زمان از الگوی خاصی پیروی کند برای تشخیص این الگو از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌شود. مفهوم مستقل بودن به این معنی است که نتیجه یک مشاهده تأثیری بر نتیجه مشاهدات دیگر نداشته باشد. در رگرسیون، بیشتر در مواقعی که رفتار متغیر وابسته در یک بازه زمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد ممکن است با مشکل مستقل نبودن خطاها برخورد شود. به این نوع ارتباط در داده‌ها خودهمبستگی می‌گویند. در صورت وجود خودهمبستگی در خطاها نمی‌توان از

رگرسیون خطی استفاده کرد. برای بررسی این فرض استفاده از آزمون دوربین واتسون می‌باشد. آماره دوربین واتسون بین ۰ تا ۴ می‌باشد. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی منفی می‌باشد. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد وضعیت نرمالی برای تحقیق محسوب می‌شود (ساعتچی، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین - واتسون در دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته است، می‌توان گفت پیش فرض استقلال خطاها رعایت شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون دوربین واتسون برای بررسی استقلال خطاهای متغیرهای پیش‌بین

مدل	همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	خطای استاندارد برآورد	مقدار دوربین - واتسون
۱	۰/۴۵۳	۰/۳۴۷	۲/۱۲	۱/۱۷

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار عامل تورم واریانس برای تمام متغیر پیش‌بین از مقدار ۱۰ کمتر است. همچنین مقدار ضریب تحمل برای تمام متغیرها از مقدار ۰/۱ بیشتر است. لذا پیش فرض عدم هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین رعایت شده است (ساعتچی، ۱۳۹۱).

جدول ۵: نتایج آزمون هم‌خطی بررسی وجود هم‌خطی از طریق ضریب تحمل و عامل تورم

واریانس

شاخص	ضریب تحمل	عامل تورم واریانس
فرهنگ سیاسی نخبگان	۰/۶۵۳	۱/۴۴
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی	۰/۷۸۸	۱/۸۱

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که در بین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی بعد اعتماد درون‌گروهی بیشترین همبستگی را با فرهنگ سیاسی دارد به صورتی که این متغیر قادر به تبیین بیش از ۰/۱۴ از واریانس فرهنگ سیاسی می‌باشد. مقدار بتای اعتماد درون‌گروهی (۰/۲۸۰) نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد به سطح اعتماد پاسخگویان به همان میزان فرهنگ سیاسی آنها افزایش می‌یابد. همچنین با ورود بعد مشارکت درون‌گروهی به معادله مقدار R^2 به ۰/۱۹ درصد رسید. بنابراین این دو بعد قادر به تبیین

بیش از ۰/۱۹ از واریانس متغیر فرهنگ سیاسی می‌باشد. لازم به ذکر است که بعد انسجام درون‌گروهی از مدل خارج شد و نتوانست فرهنگ سیاسی را تبیین کند.

جدول ۶: تبیین متغیر فرهنگ سیاسی نخبگان بر اساس متغیرهای مستقل

مرحله	متغیر	BETA	B	T	SIG	R	R ²
۱	اعتماد درون‌گروهی	۰/۲۷۶	۰/۲۳۵	۵/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۳۵۴	۰/۱۴۴
۲	مشارکت درون‌گروهی	۰/۲۱۱	۰/۱۷۹	۴/۵۱	۰/۰۰۰	۰/۲۶۳	۰/۱۹۱

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ سیاسی در دهه ۶۰ وارد ادبیات سیاسی شد بسیاری از نظریه‌پردازان با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی خود به دنبال توجیه و تفسیر این پدیده در بستر تاریخی جامعه شدند. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی از جمله عواملی می‌باشد که می‌تواند عمیقاً فرهنگ سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد. سرمایه اجتماعی بطور کلی به کمیت و کیفیت روابط اجتماعی ای اشاره دارد که فرد با دیگر اعضا اجتماع برقرار می‌سازد. این مقاله به صورت تجربی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی در بین نخبگان سیاسی خوزستان پرداخت.

نتایج تحقیق توصیفی مقاله نشان داد از مجموع ۲۱۴ نفر شرکت‌کننده تحقیق، ۱۹۳ نفر (۹۰/۲ درصد) از اعضای نمونه مرد و تنها ۲۱ نفر (۹/۸ درصد) از اعضای نمونه را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین از مجموع ۲۱۴ نفر، ۱۲۷ نفر (۵۹/۳ درصد) از اعضای نمونه دارای مدرک فوق لیسانس، ۴۹ نفر (۲۲/۹ درصد) از اعضای نمونه مدرک لیسانس و تنها ۱۷/۸ درصد از اعضای نمونه دارای مدرک دکتری بودند. نتایج همچنین نشان داد ۲۸ درصد شرکت‌کنندگان فرهنگ سیاسی در بین آنها پایین بود و بیش از ۳۲ درصد میزان فرهنگ سیاسی در بین آنها بالا بوده است. همچنین ۲۱ درصد از پاسخگویان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در بین آنها پایین بود و بیش از ۴۴ درصد از نخبگان خوزستان میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در بین آنها بالا بوده است، لذا نتایج این یافته نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در بین نخبگان تا حدودی بالا بوده است. یافته‌های مربوط به فرضیه‌های تحقیق نشان داد که بین همه ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت) با فرهنگ سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد به صورتی که با افزایش اعتماد، انسجام و مشارکت میزان فرهنگ سیاسی نخبگان بیشتر

می‌شود رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۵)، احمدی و نمکی (۱۳۹۲)، محمدی‌فر و همکاران (۱۳۹۰) و ژوتر و هیندلز (۲۰۱۲)، همسو می‌باشد.

برای تبیین بیشتر رابطه معنی‌دار بین انسجام درون‌گروهی و فرهنگ سیاسی در بین نخبگان سیاسی حاکم در استان خوزستان رابطه معنی‌دار وجود دارد. بر این اساس، هر گاه نخبگان در سطح کلان مدیریتی دارای انسجام کافی در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود باشند، به مرور زمینه برای بهبود شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بین آن‌ها فراهم خواهد شد. هر چه انسجام در بین افراد یک گروه سیاسی بیشتر باشد، نخبگان و اعضای آن گروه دموکراتیک‌تر و عمل‌گراتر خواهند بود. در حالی که بر اساس نظریه تسلسل این نخبگان محدودیت کمتری در تصمیم‌گیری‌های خود تجربه می‌کنند و نسبت به اولویت‌های سیاسی و سازمانی خود حساسیت بیشتری خواهند داشت. طبق نظر پاتنام سرمایه اجتماعی نقش مهمی در فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک دارد و در این میان نقش منابعی چون: هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد در تقویت جوامع مدنی مؤثر می‌داند که این امر باعث ارتقای سطح همکاری، انسجام، امنیت و مشارکت می‌شود.

همچنین با توجه به معنی‌داری رابطه‌ی اعتماد درون‌گروهی و فرهنگ سیاسی در بین نخبگان سیاسی در استان خوزستان، می‌توان نتیجه گرفت که نخبگان سیاسی در سطوح مدیریتی کلان نیازمند اعتماد نسبت به یکدیگر هستند. گروه‌هایی که اعضای آن نسبت به هم اعتماد کامل دارند، وظایف خود را به درستی انجام می‌دهند، نسبت به قواعد بازی سیاست‌الزام بیشتری دارند و الگوهای فرهنگی اجتماع را بیشتر رعایت می‌کنند. در حوزه سیاست، هر گاه نخبگان یک گروه سیاسی اعتماد بیشتری نسبت به هم داشته باشند، در رفتارها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی دموکراتیک‌تر رفتار می‌کنند، مدارای بیشتری از خود بروز می‌دهند، نخبگانی عمل‌گرا خواهند بود و در نهایت نسبت به سرنوشت سیاسی اجتماع خود حساسیت بیشتری نشان می‌دهند.

در همین راستا با توجه به رابطه معنی‌دار میان مشارکت درون‌گروهی و فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در استان خوزستان، هر گاه نیروها و نخبگان سیاسی در جامعه و مسئولیت‌های مشارکت داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دخالت داده شوند، با اهداف و آرمان‌های اجتماع سیاسی خود احساس یگانگی بیشتری دارند. مشارکت بیشتر افراد در مسئولیت‌ها زمینه را برای رشد اجتماعی و سیاسی آن‌ها و پیروی هر چه بیشتر آن‌ها از الگوهای فرهنگ سیاسی مستقر فراهم می‌کند. چنین افرادی عموماً در رویکردهای خود دموکرات‌تر و عمل‌گرا تر خواهند بود و در نهایت بی‌تفاوتی سیاسی کمتری نسبت به

کسانی که در امور دخالت داده نمی‌شوند، خواهند داشت. همچنین می‌توان گفت که هر چه در جامعه سرمایه اجتماعی در میان شهروندان افزایش یابد آنها می‌کوشند از فرهنگ سیاسی محدود و تبعی فاصله بگیرند و به سمت فرهنگ سیاسی مشارکتی حرکت کنند.

بر اساس نتایج به دست آمده در بخش یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای در جهت افزایش و بهبود فرهنگ سیاسی ارائه می‌شود؛ باید برنامه‌هایی برای ارتقا انسجام درونی در بین گروه‌های نخبگانی در دستور کار قرار گیرد. در این راستا پیشنهاد می‌گردد که هر گروه نخبگانی سیاسی، جلسات و کارگروه‌ها و کارگاه‌هایی را برای اعضای خود طراحی و اجرا نمایند که اهداف، سیاست‌ها، منافع و خط‌مشی‌های سیاسی گروه را مشخص و روشن نماید. این مسأله موجب درونی شدن این مفاهیم برای اعضا گروه و هم‌افزایی ایشان و دستیابی به سطح بالاتری از انسجام درون گروهی خواهد شد. همچنین پیشنهاد می‌شود که در جهت بهبود شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بین نخبگان، زمینه‌های اعتماد و همدلی در بین نیروهای سیاسی استان فراهم شود تا نخبگان راحت‌تر بتوانند گفت و گو کنند و از طریق این دیالوگ توافقاتی در زمینه اصول و قواعد رفتار سیاسی خود به دست آورند. این امر به بهبود شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بین نیروهای سیاسی استان کمک خواهد کرد. بر همین اساس به منظور افزایش شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بین نیروهای سیاسی استان خوزستان، توجه به امر مشارکت نیروها و نخبگان در تصمیم‌گیری سیاسی ضرورت می‌یابد. بدین منظور نخبگان سطوح کلان سیاسی لازم است رویکردها و مکانیزم‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر انحصار را کنار بگذارند و نخبگان سطوح پایین‌تر را در امر تصمیم‌گیری شرکت دهند. در کنار این پیشنهادات لازم است به برخی محدودیت‌هایی که در خلال انجام این پژوهش مشکلات را برای محققین پدید آورد اشاره شود؛ شرایط کرونایی حاکم بر کشور و به خصوص سازمان‌های دولتی محقق را در پر کردن پرسشنامه‌های تحقیق با مشکل مواجه کرد، همچنین لازم به ذکر است که پرسشنامه‌های استاندارد معمولاً با بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه ما در برخی مواقع همخوانی ندارند و همین امر باعث می‌شود که در تعمیم نتایج تحقیق با احتیاط زیادی مواجه شوند. در نهایت باید بیان کرد که تحقیقات کیفی به خصوص گزند تئوری می‌تواند مسأله تحقیق (فرهنگ سیاسی نخبگان) را به علت مصاحبه‌های عمیق بیشتر ارزیابی کند.

فهرست منابع:

- احمدی، یعقوب و نمکی، آزاد (۱۳۹۱). "سرمایه اجتماعی و گونه‌های دموکراتیک فرهنگ سیاسی"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۹، ۳۰۰-۲۴۶.
- ادریسی، افسانه؛ همتی، محمد ابراهیم؛ ذوالفقاری، ابولفضل (۱۳۹۸). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نگرش به فرهنگ دموکراتیک، مورد مطالعه شهروندان شهرستان سمنان"، دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۲(۱۵).
- افشانی، سید علیرضا و جعفری، زینب (۱۳۹۵). "رابطه سرمایه اجتماعی و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد"، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۵، شماره ۷۳: ۱۱۵-۹۲.
- آلموند، گابریل (۱۳۷۶). "جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی"، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۴، ۱۱۳.
- باستانی، علیرضا؛ رزمی، سید محمد جواد (۱۳۹۳). "رتبه‌بندی غیر مستقیم استان‌های ایران بر حسب سرمایه اجتماعی"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- باگناسکو، آرنالدو (۱۳۸۵). اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمد خضری، فرامز تقی لود و فرزاد پورسعید، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بشیریه حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، گام نور.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۰). توسعه و فرهنگ، میزگرد نامه فرهنگ، شماره ۵ و ۶.
- پای، لوسین (۱۳۷۰). "فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی"، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، شماره ۵ و ۶، سال دوم.
- پای، لوسین، (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا سروری، تهران، نشر مطالعات راهبردی.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، تهران، شیرازه توس.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۸). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید جهان بزرگی و علیرضا طیب، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حاجی‌زاده، حمدالله (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نگرش به دموکراسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد.

خانیک، هادی (۱۳۸۲) قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، تهران، طرح نو.

رحمانی، تیمور؛ عباسی‌نژاد، حسین و امیری، میثم (۱۳۸۶). "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره ۲.

رهبرقازی، محمودرضا، گشول، سعید؛ عربیان، حسین و آشنایی، سهیلا (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی"، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۴، ۱۲۲-۱۰۱.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران، تهران، فرزانه.

شریف، محمدرضا (۱۳۸۱). انقلاب آرام، درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران، تهران، روزنه.

شهرام‌نیا، امیرمسعود و اسکندی، مجید (۱۳۸۹). ناکارآمدی نخبگان سیاسی در کارآمدسازی روند توسعه ایران عصر پهلوی، نشریه گنجینه اسناد، شماره ۷۷.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳). سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران، سمت.

کتابی، محمود؛ گنجی، محمد؛ احمدی، یعقوب و معصومی، رضا (۱۳۸۳). "دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی"، مجله علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۷: ۱۶۹-۱۹۲.

محمدی‌فر، نجات؛ مسعودنیا، حسین و مرادی، گلمراد (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان، مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان"، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال دوازدهم، شماره شانزدهم، صفحه ۲۳۴-۲۰۴.

معین‌الدینی، جواد؛ صنعت‌خواه، علیرضا و دادخواه‌فر، معصومه (۱۳۹۲). "سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر کرمان"، مطالعات جامعه‌شناسی شهری، سال سوم، شماره ششم، ۸۰-۵۷.

معین‌الدینی، جواد؛ صنعت‌خواه، علیرضا و دادخواه‌فر، معصومه (۱۳۹۲). "سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر کرمان"، مطالعات جامعه‌شناسی شهری، سال سوم، شماره ششم، ۸۰-۵۷.

Almond, Gabriel A. (1956). "Comparative Political Systems", Journal of Politics, No. 18.

Arneil, B. (2006). *Diverse Communities, The problem with social capital*, Cambridge University Press.

Benavides, U. (2011). "The Impact of elite political culture and political institutions on democratic consolidation in Latin America: a comparative study of Colombia and Venezuela", *the Journal of politics*. vol.18, No.3.

Bourdieu, P. (1986). *Forms of capital*. Richards (ed). *Hand book of theory and research for the sociology of education*, New York: green wood press

Chohen, Mollie, J., Noam Lupu, Elizabeth, J. Zechmiester (2017). *The political culture of democracy in the Americas, 2016/17, A Comparative Study of Democracy and Governance*.

Gillen, L., Coromina, L., Saris, W. E. (2011). *Measurement of Social Participation and its Place in Social Capital Theory*. *Social Indicators Research*, 100.

Harper, R. (2011). *The measurement of Social Capital in the United Kingdom*, www.oecd.org/dataoecd/21/48/2381103.pdf.

Kirbis, I. (2013). *Political-participation and non-democratic political Culture in western Europe, East Centraleurope and post yuyoslar countries, Democracyin transition*.

Lynch, J. & Kaplan, G. (1997). "Understanding How Inequality in the Distribution of Income Effect Health", *Journal of Health Psychology*, Vol.2, p.297-314.

Poortinga, W. (2006). "Social Relations or Social Capital? Individual and Community Health Effects of Bonding Social Capital", *Social Science and Medicine* 63:255–270.

Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*, New York, Simon and Schuster Paperbacks.

Pye, L. W. (1965). "Introduction: Political Culture and Political.

Ston, W., Jody, H. (2011). *Measuring Social Capital: Towards a standardised approach*, <http://www.aes.asn.au/conferences/2002/PAPERS/Hughes.pdd>

-
- Verba, S. (1965). "Comparative Political Culture: Conclusion",
in: Lucian
Voicu, B. (2011). Eastern Europeans and their lower levels of
Bridging Social Capital: Between individual and societal
determinants ,[www.iccv.ro /valori/ conferinte.html](http://www.iccv.ro/valori/conferinte.html).

Sociological Study of the Impact of Intra-Group Social Capital on Political Culture (Case Study: Political Elites of Khuzestan Province)

Alihasan Fard Baboli¹, Abdolreza Hashemi (Ph.D)², Ahmadali Hesabi (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2022.37809.2464

Abstract:

Elite political culture plays an important role in political development or underdevelopment, as can be acknowledged; the development of political culture is a necessary condition for political development, and the political development of societies is always measured by political culture. On the other hand; Attitudes and worldviews of elite political culture, if democratic, will lead to economic and social development, In the meantime, factors are influential in determining this type of political culture, the most important of which is social capital within the group. This article examines the relationship between intra-group social capital and political culture in a quantitative and survey manner. The sampling method was simple random sampling method and 214 political elites of Khuzestan province were selected as the sample. To assess political culture, Tessler standard questionnaire and researcher-made social capital questionnaire within the group were used. The results showed that the amount of social capital within the group was somewhat high (18.44) but the average political culture was moderate (19.154). The results also showed that there is a positive and significant relationship between the dimensions of social capital (trust, cohesion and intra-group participation) with political culture. And more than 19% of the variance of the political culture variable was explained by the two variables of intra-group trust and intra-group participation. In general, it can be said that social capital within a group can cause changes in the political culture of society.

Key Concepts: Political Culture, Intragroup Social Capital, Trust, Participation, Cohesion

¹ PhD Student ,Department of Political Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran, alibaboli24@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran (Corresponding Author), abdorezahashemi@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Political Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran, ahmadali_hesabi@yahoo.com

